

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

**تجزیه و تحلیل حرکتهای تجزیه
طلبانه در اولین دهه انقلاب اسلامی**

نادر محمدی



سرشناسه : محمدی، نادر
عنوان و نام پدیدآور : تجزیه و تحلیل حرکت‌های تجزیه طلبانه در اولین دهه انقلاب اسلامی، نادر محمدی
مشخصات نشر : ایلام: ماه ناز، ۱۴۰۰
مشخصات ظاهری : ۱۱۴ ص.
شابک : ۹۷۸-۹۵۷۸۶-۶۲۲-۹-۲
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : تاریخ

تألیف	نادر محمدی
ویراستار	ماه ناز
سال چاپ اول	۱۴۰۰
شمارگان	۱۰۰۰ نسخه
ناشر	ماه ناز
صفحه آرابی	محسن مکرمی
طراح جلد	محسن مکرمی
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۹۵۷۸۶-۹-۲
قیمت	۴۰۰۰۰ تومان

آدرس ناشر ایلام - بلوار دانشجو، روبروی دانشگاه پیام نور، پاساژ آریان

تلفن: ۰۹۱۸۷۴۵۸۵۶۵ - ۰۹۳۸۶۳۰۳۴۲۲

تقديم به:

خانواده عزیزم

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: چارچوب نظری

۱۷.....	درباره امنیت و مؤلفه‌های آن
۱۷.....	تعاریف امنیت.....
۲۰.....	ویژگی‌های امنیت.....
۲۳.....	عوامل مؤثر بر ایجاد امنیت.....
۲۴.....	اهداف امنیت ملی.....
۲۵.....	ابعاد امنیت ملی.....
۲۶.....	نظریه‌های امنیت.....
۲۶.....	پارادیم واقع‌گرایی و امنیت.....
۲۹.....	پارادیم آرمانگرایی و امنیت.....
۳۰.....	پارادیم نولیبرالی و امنیت.....
۳۱.....	دیدگاه نولیبرالی پیرامون امنیت.....
۳۲.....	سازوکارهای امنیت در پارادیم نولیبرال.....
۳۲.....	پست مدرنیسم و امنیت.....
۳۳.....	مکتب انتقادی و امنیت.....
۳۴.....	نظریات ساخت‌گرایانه و امنیت.....
۳۵.....	چارچوب نظری تحقیق: مکتب مطالعات امنیتی باری بوزان.....
۳۵.....	تهدیدمحوری در مفهوم امنیت.....
۳۷.....	امنیت موسع در برابر مضیق.....
۳۸.....	اهداف مرجع امنیت.....
۴۰.....	ساختار بنیادین مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای از دیدگاه باری بوزان.....
۴۱.....	انواع مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای (RSC).....
۴۶.....	نقش دولت در تامین امنیت از دیدگاه مکتب کپنهاگ.....
۴۷.....	وابستگی متقابل امنیتی.....

فصل دوم: حرکت‌های تجزیه طلبانه در دهه اول انقلاب اسلامی

۵۵.....	حرکت‌های تجزیه طلبی سیستان و بلوچستان.....
۵۹.....	حرکت‌های تجزیه طلبانه در ترکمن صحرا.....

۶۱.....حرکت‌های تجزیه طلبانه در کردستان.....

۷۰.....تجزیه و تحلیل تحولات تجزیه طلبی در کردستان.....

۷۹.....روند تدوین جهت گیری‌ها و سیاست‌های قومی در ایران در یک دهه اول انقلاب اسلامی.....

فصل سوم: تجزیه طلبی، امنیت ملی و راهبردهای جمهوری اسلامی ایران

۹۱.....سیاست‌های قومی بعد از انقلاب.....

۹۲.....اهداف و رویکردها.....

۹۷.....نقش بحران‌های قومی در تدوین قانون مدیریت اقوام در دهه اول انقلاب اسلامی.....

۱۰۲.....بحران‌های قومی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در یک دهه اول انقلاب اسلامی.....

۱۰۲.....بحران‌های قومی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در دوران انتقالی.....

۱۱۰.....بحران‌های قومی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در دوران جنگ.....

۱۱۹.....عوامل موثر بر گرایش‌ها و رفتارهای ضد امنیتی اقوام در ایران در دهه اول انقلاب اسلامی.....

۱۲۳.....**نتیجه گیری**.....

۱۳۰.....فهرست منابع.....

فصل اول:

چارچوب نظری

امنیت ملی به عنوان یکی از مهم‌ترین مفاهیم در صحنه بین‌الملل و تحولات داخلی کشورها به شمار می‌رود. این مسأله چنان اهمیتی دارد که کشورها، امنیت ملی را به عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌ها در راستای توسعه و پیشرفت قلمداد می‌کنند. با این حال، در خصوص تعاریف و ابعاد مختلف امنیت ملی در میان اندیشمندان مختلف اختلافاتی وجود دارد. هر کدام از اندیشمندان بر اساس اصول و مبانی فکری خود سعی دارند به تعاریفی از امنیت دست بزنند. با توجه به این مسائل، چارچوب نظری تحقیق حاضر مبتنی بر نظریات امنیتی با تأکید بر نظریات باری بوزان می‌باشد. در این فصل ضمن بررسی زوایای گوناگون امنیت، نظریات باری بوزان را نیز به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد.

درباره امنیت و مؤلفه‌های آن

تعاریف امنیت

درباره امنیت و امنیت ملی تعاریف متعددی از سوی نظریه پردازان و اندیشمندان مختلف ارائه شده است. بنابر تعریف والتر لیپمن^۱، امنیت در معنی عام کلمه، همیشه همراه با قدرت نظامی خواهد بود به طوری که بود و نبود امنیت وابسته به توانایی کشور در دفع و از

^۱ Walter Lippman

بین بردن حمله نظامی است. البته او تأکید دارد که حمله نظامی آخرین اهرمی است که به کار گرفته می‌شود. با توجه به این تعریفی که از سوی لیپمن ارائه گردید، چنین می‌توان نتیجه گرفت که امنیت به معانی و پدیده‌های زیر اطلاق می‌گردد: ۱- حفظ تمامیت ارضی حفظ جان مردم، بقاء و ادامه سیستم اجتماعی و حاکمیت کشور. ۲- حفظ و ارتقاء منابع حیاتی کشور. ۳- فقدان تهدید جدی از خارج نسبت به منافع ملی و حیاتی کشور. امروزه سازگار کردن محیط با اهداف داخلی بسیار مهم است (سیف زاده ۱۳۸۳، ۱۶۰). در سوی دیگر، میشل لووا نیز امنیت ملی را خط‌مشی دفاعی سنتی و کنش‌های غیرنظامی دولت به منظور تضمین ظرفیت تام آن برای بقا به مثابه موجودی سیاسی در جهت تأثیرگذاری و انجام اهداف ملی و فراملی خود تعریف می‌کند. مسعود چلبی نیز با بهره‌گیری از نظریه پارسونز در تحلیل امنیت ملی تأکید می‌کند که گرچه بدیهی است که امنیت ملی هر کشوری به عوامل درونی و بیرونی آن بستگی دارد، مع‌ذک‌ک پشتوانه اصلی آن را باید در کم و کیف ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی نظم اجتماعی درونی آن جستجو نمود. امنیت ملی، به ویژه برای کشورهایی که در قشر پیرامونی قرار دارند، دارای چهار بعد عمده تسلط اقتصادی، هجوم نظامی، هجوم فرهنگی و تجزیه و اضمحلال ملی می‌باشد (عیوضی ۱۳۸۵، ۹-۸).

در این خصوص، ریچارد کویر^۲ به طرز مشابهی در بیان قلمرو امنیت می‌نویسد: امنیت فقط حفظ سرزمین از خطر اشغال خارجی نیست، بلکه امنیت شامل حفظ زندگی ملی به وجه مطلوب و دلخواه و فارغ از تحمیل و تهدید و ارعاب نیز می‌باشد. این توجه بدان

^۱ Michelle Lowe

^۲ Richard coier

جهت به وجود آمده است که به قولی فیلیپ ال رینولدز، توان دولت برای تأمین امنیت شهروندان خود از راه به کارگیری منابع نظامی - استراتژیکی خود، به گونه‌ای روزافزن کاهش می‌یابد، چرا که تغییرات، متنوع شده‌اند اما استراتژی مناسب برای مقابله با آن‌ها تهیه نگردیده است. به عبارت دیگر، تهدیدات امنیتی حادث شده، فاقد کدهای شناسایی در نقشه و مدل امنیتی کشورها جهت شناسایی، مقابله و مهار آن‌ها می‌باشند. مواد مخدر، تروریسم، فقر و توسعه نیافتگی، ایدز، مهاجرت‌های بی‌رویه، خشکسالی‌ها، گرم شدن زمین، باران‌های اسیدی و غیره اموری هستند که مقابله با آن‌ها نیازمند احساس مسئولیت و انجام آن در سطوح فراملی است (عیوضی ۱۳۸۵، ۱۰).

جوزف نای^۱ نیز موافق است که امروز هدف بخش اعظم سیاست‌های امنیتی، تأمین، تضمین «استقلال عمل اجتماعی در مقام یک گروه و منزلت سیاسی نسبی است نه صرفاً تضمین بقای فیزیکی افراد در داخل مرزها ملی». وی معیار دیگری را نیز اضافه می‌کند، «بهره‌مندی از رفاه اقتصادی در سطح حداقل مورد انتظار».

آرنولد والفرز^۲ یکی از صاحب نظران معروف، از امنیت تعریفی کرده است و با توجه به مشکلاتی که در عرضه تعریف جامع و مانع از یک پدیده بسیار متغیر مانند امنیت وجود دارد، از شیوه سلبی استفاده کرده و می‌گوید: «امنیت را می‌توان به وسیله فقدان ناامنی تعریف کرد، یعنی هر جا که ناامنی نیست، امنیت وجود دارد. وجود جنگ، خشونت، زدوخوردها، منازعات فردی و بی‌ثباتی داخلی، برخی علایم ناامنی هستند، بنابراین نبود آن‌ها مساوی با امنیت است» (محمدنژاد ۱۳۷۵، ۲۶۰).

^۱ Joseph Nye

^۲ Arnold Volferz

هلگا هافندرون^۱ می‌نویسد: مفهوم امنیت ملی بر تشکیل دولت ملی ناظر است، بدیهی است که این الگو-امنیت ملی- در بستر تاریخی مشخص ظهور کرده، مبدأ تاریخ امنیت ملی به طور طبیعی با زایش دولت در قرن هفدهم میلادی است و علاقه‌ای که این موجود-دولت ملی- بر بقای ملی داشت، می‌داند» (مهری ۱۳۸۱، ۳).

جلیل روشندل نیز در تعریف امنیت ملی معتقد است که امنیت ملی یعنی دست یابی به شرایطی که به یک کشور امکان می‌دهد از تهدیدهای بالقوه و بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانه در امان باشد و در راه پیش برد امر توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی و تأمین وحدت و موجودیت کشور و رفاه عامه فارغ از مداخله بیگانه گام بردارد (روشندل ۱۳۸۵، ۱۴-۱۳).

ویژگی‌های امنیت

امنیت دارای صفات و خصوصیات زیر می‌باشد:

- ۱- امنیت امری است نسبی.
- ۲- امنیت پدیده‌ای است ذهنی.
- ۳- بین امنیت و قدرت رابطه منطقی و همیشگی موجود است. البته امروزه قدرت نظامی غالب ولی رایج نیست. قدرت اقتصادی رایج و قدرت فرهنگی نافذ است. لازم است در هر مورد توضیحی مختصر داده شود.

الف) نسیت امنیت: یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های امنیت ملی، نسبی بودن امنیت است. به این معنا که برای هیچ کشوری، امنیت ملی به طور مطلق و کامل وجود ندارد

^۱ Helga Hafendoren

چون هیچ کشوری در خلأ عمل نمی‌کند و تا زمانی که کشورهای دیگری وجود دارند، همواره تهدیدات بالقوه و بالفعل، آن کشور را تهدید می‌کند.

باید اشاره داشت که امنیت پدیده‌ای ثابت و مشخص نیست. در این راستا، عامل زمان، ایدئولوژی و اوضاع و احوال بین‌المللی و همچنین موقعیت کشور و دید و نظر رهبران در کیفیت و کمیت امنیت و نحوه تحصیل و حفظ آن تأثیر بسزایی دارد. به همین دلیل است که امنیت و حدود و طرق تحصیل و حفظ آن در جهان امروزی با زمان قبل از این پدیده‌ها تفاوت فاحشی داشته و دارد. حفظ مستعمرات در قرن هجده و نوزده جزو امنیت و هدف‌های حیاتی کشورها به شمار می‌آمد ولی جهان امروز با توجه به توسعه و نضج ناسیونالیزم، کشورهای استعمارگر معمولاً حفظ مستعمرات خود را جزو امنیت مملکت نمی‌دانند. در دنیای اسلام حفظ فرهنگ اسلامی نیز جزو مسائل امنیتی محسوب می‌شود و به کلام قرآنی از امنیت جانی و بیولوژیک مهم‌تر به حساب می‌آید. در دنیای امروز، به واسطه ظهور سلاح‌های اتمی، گروهی به خاطر حفظ جان قبول سیستم سیاسی و اقتصادی مخالف را مغایر با امنیت نمی‌دانند (سیف زاده ۱۳۸۳، ۱۶۱).

ب) ذهنی بودن امنیت: در این خصوص باید اشاره داشت که ذهنی بودن امنیت به جهت ارتباط آن با سه عامل است: ۱- اعتماد یا عدم اعتماد به توانایی و قدرت نسبی کشور برای مقابله با هر خطر جدی و حمله احتمالی ۲- اعتماد یا عدم اعتماد به قدرت نسبی کشور دوست و دشمن ۳- اعتماد یا عدم اعتماد به اینکه کشور می‌تواند وضع مطلوبی را در گرایش‌ها و روندهای سیاسی آینده حفظ کند (سیف زاده ۱۳۸۳، ۱۶۱).

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های امنیت ملی این است که مردم و تصمیم‌گیرندگان یک نظام حکومتی، ابتدا احساس امنیت کنند. احساس کنند که هیچ خطری ارزش‌های اساسی و حیاتی آن‌ها را تهدید نمی‌کند. بنابراین امنیت یک ویژگی روانی است.

نکته دیگری که باید به آن اشاره داشت این است که ذهنی بودن احساس امنیت و نبودن معیارهای دقیق برای ارزیابی درست آن موجب می‌شود که گاهی دولت مردان از احساس ترس مردم بهره‌برداری کنند و با بزرگ جلوه دادن خطری که گویا امنیت ملی را تهدید می‌کند، نظر مردم را از کمبودها و نارسایی‌های سیاسی داخلی به سوی مشکلات خارجی جلب کنند. برعکس، ممکن است دولتی برای معطوف ساختن توجه مردم نسبت به بعضی اولویت‌ها، تهدید خارجی را کم‌اهمیت جلوه دهد (روشندل ۱۳۸۵، ۱۵).

ج: ارتباط با قدرت ملی: در گذشته، در مورد ارتباط با قدرت ملی چنین باوری وجود داشت که با افزایش قدرت نظامی، امنیت نیز افزایش پیدا می‌کند یا تعداد نیروها و تجهیزات نظامی، بیان‌گر قدرت و امنیت یک کشور است. اما امروزه این باورها دگرگون شده است. باید خاطر نشان کرد که امنیت ملی یک فرآیند یک‌جانبه نیست که بتوان تنها با افزایش قدرت نظامی آن را افزایش داد بلکه دارای مفهوم گسترده و همه‌جانبه است.

حفظ امنیت ملی هر واحد سیاسی از راه افزایش قدرت ملی و ایجاد توازن عوامل تشکیل دهنده آن مؤثر است و افزایش یکی از این عوامل اگر متناسب با افزایش در عوامل دیگر نباشد، می‌تواند زمینه ساز تهدید در امنیت ملی باشد. امروزه حفظ امنیت ملی جنبه فرامرزی به خود گرفته است، به عبارت دیگر، حفظ امنیت ملی تنها درون مرزی نیست، البته امنیت همواره به وسیله قدرت نظامی حاصل نمی‌شود بلکه گاهی افزایش قدرت نظامی باعث کاهش امنیت و ناامنی کور می‌شود. (قادری ۱۳۷۰، ۳۶۲).

هرچند قدرت نظامی هم می‌تواند مانع حمله دشمن بالقوه شود و هم می‌تواند در برابر تهدیدات بالفعل وسیله ایستادگی باشد، اما در زمان ما از اهمیت تهدید نظامی به مثابه ابزاری برای پیش برد مقاصد امنیتی در مناسبات بین‌المللی کاسته شده است تا آن جا که برخی از تحلیل‌گران بر این عقیده‌اند که اهمیت سلاح‌های هسته‌ای تنها از جنبه بازدارندگی آن‌هاست و این سلاح‌ها برای مقاصد سیاسی چندان قابل بهره‌برداری نیستند.

عوامل مؤثر بر ایجاد امنیت

ملاحظات و عوامل مؤثر متعددی در برقراری امنیت ملی کشورها دخالت دارند که می‌توان آن‌ها را در دو بعد امنیت ملی در مقابل تهدیدات خارجی و امنیت ملی در مواجهه با تهدیدات داخلی تقسیم‌بندی کرد:

الف) عوامل مؤثر بر امنیت ملی در مقابل تهدیدات خارجی

- ۱- قدرت زیرساخت‌های داخلی؛ به عبارت دیگر، میزان پتانسیل مؤلفه‌های قدرت ملی.
- ۲- قدرت و ظرفیت بازدارندگی مؤثر.
- ۳- توانایی در ایجاد قدرت مکمل از طریق مشارکت در پیمان‌های منطقه‌ای یا اتحادیه‌های نظامی.
- ۴- منافع امنیتی مشترک با سایر قدرت‌ها.
- ۵- منابع اقتصادی و سیاسی مشترک با سایر دولت‌ها.
- ۶- وجود تاریخ نظامی درخشان (اجرای جنگ‌های موفق به ویژه در گذشته نزدیک).
- ۷- میزان توانایی در هدایت و مدیریت بحرآن‌ها.
- ۸- موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی مناسب.

۹- توانایی نظام‌های امنیت جمعی در کنترل ناامنی.

ب) عوامل مؤثر بر امنیت ملی در مقابل تهدیدات داخلی

- ۱- وحدت ملی و اعتقادی.
- ۲- اعتماد متقابل مردم و رهبران.
- ۳- وجود مشروعیت نظام حاکم در نزد افکار عمومی.
- ۴- اقتدار نظام در اعمال قانون.
- ۵- توانایی نظام در هدایت و مهار بحرآن‌های داخلی.
- ۶- نبود نیروی گریز از مرکز.
- ۷- توسعه پایدار.
- ۸- سلامت نظام اقتصادی و اداری کشور.
- ۹- تأثیر پذیری فرهنگ بومی از نفوذ عوامل فرهنگی بیگانه (مهری ۱۳۸۱، ۴-۵).

اهداف امنیت ملی

امنیت ملی دارای هدفهایی است که می‌توان آن را به شرح زیر بیان داشت:

- ۱- حفظ استقلال و تمامیت ارضی
- ۲- تحقق رفاه مردم و ثبات سیاسی کشور
- ۳- حفظ و اشاعه ارزش‌های ملی و اعتقادی
- ۴- فراهم کردن امکان فراغت خاطر نسبت به تهدیدهای احتمالی (روشندل ۱۳۸۵، ۱۸).

ابعاد امنیت ملی

از آن جایی که امنیت، نیاز فطری هر انسان است و در زندگی اجتماعی او نقش مهمی را ایفا می‌کند، همانند سایر نیازهای اصلی انسان، چند بعدی بوده و دارای جهات گوناگون است. از جمله ابعاد امنیت ملی، امنیت فرهنگی، امنیت اجتماعی، امنیت سیاسی، امنیت اقتصادی، امنیت نظامی و امنیت طبیعی است. کلیه ابعاد فوق و مجموعه نیازهای امنیتی در یک نظام، به طور اندام‌واری با یکدیگر در ارتباط هستند و برآیند امنیت در این ابعاد، امنیت ملی را به وجود می‌آورد.

بنابراین امروز صحبت از امنیت فرهنگی، بدون توجه به امنیت سیاسی، اقتصادی و... قابل توجه نیست و متقابلاً امنیت سیاسی بدون برخورداری از امنیت فرهنگی، نظامی و... لذا باید به تعامل و کنش متقابل ابعاد فوق در ارتباط اندام‌واری نیز توجه کرد. توجه به شکل زیر بهتر می‌تواند در شناخت بیشتر و بهتر امنیت موثر باشد: